



سمیرا شاهیان اقرار است بیست کیلو برنج خیس خورده از شب قبل رادرون قابلمه بزرگ بریزند و برای ۱۱۰ نفر استانبولی تهیه کنند. از یک قابلمه، بخار آب جوش بلند است و از دیگری عطرمایه استانبولی، بخش جلویی حیاط رادار بیست بار و کش برزنت کشیده اند و چند اجاق پلوپز و دیگر ملزومات آشپزی را همان جا گذاشته اند. شاخ و برگ یک درخت قدیمی که چند پرندۀ خوش آواز میان شاخه هایش مشغول خواندن هستند، روی سقف این آشپزخانه جمع و جور سایه انداخته است. اینجا خانه خانواده شادمان است که نه تنها بخشی از حیاط، که در کنارش وقت و انرژی خودشان را هم وقف تهیه و توزیع غذا برای نیازمندان کرده اند. این روزها به مناسبت ایام فاطمیه، قرار است سی روز آتش زیر این قابلمه ها روشن باشد.



ساکن محله بالا خیابان قرار بود ۳ روز آشپزی کند، اما حالا ۳ سال است برای نیازمندان غذا می پزد

جوشش خیر در دیگ خانواده شادمان

● ۳ روز، ۳ سال شد

برکت این کار از ماه رمضان ۱۴۰۱ جاری شده است. زهرا شادمان که حتی هنگام صحبت کردن با ما هم دست از کار نمی کشد، درباره آغاز این فعالیت می گوید: اولین بار ماه رمضان سه سال قبل بود. خانمی که من را می شناخت و می دانست به خاطر نداری که دارم، به خانواده های نیازمند کمک می کنم، پیشنهاد داد که اگر توانش را دارم، به تعداد سی نفر غذای گرم تهیه کنم. در مناطق مختلف شهر کسانی را می شناختم که از نظر مالی نیاز به کمک داشتند و همان ها را در فهرست توزیع قرار دادم. بودجه از اوو تهیه غذا از ما، من و همسرم گفتیم یک روز امتحان می کنیم؛ یک روز شد سه روز، سه روز شد سی روز و سی روز شد سه سال. از آن زمان تا امروز این کار ادامه داشته است و هم بانیان اضافه شده اند و هم خانواده هایی که به آن ها کمک می کنیم.

شادمان که نیتی پشت این کار خیر داشته است، ادامه می دهد: دوازده سال پیش پسر من تصادف کرد و آسیب زیادی دید. با وضعیتی که داشت، دکترها قطع امید کردند. اما خدا خواست و بهبودی کامل پیدا کرد. شفای پسرمان بهانه ای شد که هر قدر توان داریم، به ایتم و کودکان نیازمند کمک کنیم. الان نزدیک سه سال است که دیگ نذری برپاست و بیشتر از شصت خانواده در فهرست ماقرار گرفته اند. همسر و هر دو پسر من هم برای پخت غذا به من کمک می کنند.

● همراهی برای کار خیر

همه مراحل کار در آرامش، با زیر صدای پرندگان پیش می رود. باینکه کار سنگین است، زهرا خانم دوست ندارد در و درو برش شلوغ شود و فقط یک نفر است که موقع آشپزی او را همراهی می کند. حالا زهرا خانم شادمان و فاطمه مولایی، برنج ها را آبکش و مایه استانبولی را آماده کرده اند و نان ها را برای ته دیگ، روی روغن داغ می نشانند. روال کار این است که پس از پختن غذا در حیاط خانه، چند نفری برای کمک می آیند تا غذا ها را در ظرف های یک بار مصرف بسته بندی کنند. شادمان بیان می کند: در فاصله ای که غذا آماده می شود، تلفن را برمی دارم و تماس می گیرم تا بیایند و غذا را تحویل بگیرند. باتوجه به تعداد اعضای هر خانواده، هر روز به ۱۱۰ تا ۱۲۰ نفر غذا می دهیم.

زهرا خانم از صاحب خانه شان که در این کار خیر با آن ها همراه است، قدر دانی می کند و می گوید: خانه حیاط دار گرفتیم، چون بریز و بپاش کار آشپزی زیاد است. خوشبختانه صاحب خانه مان فردی شریف و مذهبی است و سال ها با برپایی روضه های خانگی، نام ائمه (ع) را در این خانه زنده نگه داشته و الان هم در دیگ ما که به نام حضرت رقیه (س) است، سهمی دارد.



● این دیگ حاجت می دهد

زهرا خانم درباره همراهی همسرش می گوید: همسر من هر شب که به خانه می آید، پس از صرف شام و استراحت کوتاه، درباره تهیه مواد اولیه غذا ها صحبت می کند. مسئولیت خرید را هم او به عهده دارد. خانم شادمان در میان آشپزی گاهی می رود و به غذای خانواده خودش که روی گاز داخل خانه گذاشته است، سری می زند و می گوید: غذای خودمان را جلد درست می کنیم و این غذا را تمام و کمال به نیازمندان می دهیم. او درباره خستگی ناشی از سنگینی کار می گوید: گاهی خسته می شوم، اما یک ساعت استراحت کافی است تا دوباره برای روز بعد برنامه ریزی کنم. انگار خدا خودش انرژی می دهد. بعضی خانم ها با تعجب می گویند ما غذای خانه خودمان را هم به سختی درست می کنیم، تو چطور این دیگ بزرگ را چندین روز برپا می کنی؟ زهرا خانم باور دارد که این دیگ حاجت می دهد. او می گوید: گاهی بعضی خانم ها که می آیند و غذای می گیرند، خودشان داوطلب کمک می شوند. می گویند حاجتشان برآورده شده است و می خواهند کمک کنند. این اتفاق ها انگیزه می دهد و نیت ما را تقویت می کند.

● سرایت حال خوب

همسایه های زهرا خانم می دانند که به جز شب های جمعه، همه مناسبت های مذهبی و اعیاد، دهه اول محرم و آخر صفر و همه شب های ماه رمضان، هر وقت که بانی خیری پیدا شود، آتش دیگ خانم شادمان هم برپاست و بوی غذا کوچه را پر می کند. زهرا ایرانمنش، همسایه روبرویی این خانه، می گوید: از سه سال قبل که خانواده شادمان به اینجا آمدند، حیاطشان آشپزخانه ای شد که خبر و برکت رابه این کوچه آورده است. هر وقت بوی غذا بلند می شود، همسایه ها خوش حال می شوند که چند خانواده امشب غذای گرم دارند و به همت این خانواده آفرین می گویند.

فاطمه خانم، پایه ثابت این آشپزی ها، پیاز داغ قرمه سبزی فردا را آماده می کند و می گوید: بیشتر همسایه های خانم شادمان می دانند اینجا چه خبر است و بعضی وقت ها خودشان هم بانی می شوند. از روزهای اول که خانم شادمان گفت بیا کمک، هر وقت بتوانم پای دیگ هستم. پیش آمده است روزهایی که به علت یادرد، توان آمدن نداشتم. اما دلم نیامده است که این دیگ را رها کنم. اتفاقاً وقتی آمده ام، دیگر از درد و خستگی خبری نبوده است. به نظر من هر پرس غذا که آماده می شود، جدا از اینکه برکتی برای خانواده های نیازمند است، برکتی هم برای بانی آن دارد. به جز این، دیگ های غذا ر و حبه کار گروهی را تقویت می کند و همه رابه جنب و جوش می اندازد. برای مثال، همین دیروز خانم های داوطلب زیادی برای کمک آمدند و این پیاز داغ ها را درست کردیم.